

بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱/۲۱

منوچهر طبیبیان* - نصیبه چربگو** - انسیه عبدالهی مهر***

چکیده

طراحی شهری ایرانی-اسلامی، به نوعی بازتاب کاربرد کلیه اصول ساختاری موجود در طبیعت می‌باشد. کل‌های موجود در طبیعت از تعاملات کل‌های کوچکتر با مقیاس‌های مختلف در سلسله مراتبی که تا ساختار ماده پیش می‌رود، شکل گرفته‌اند. بنابراین در این مقاله به سلسله مراتب به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول موجود در عرفان اسلامی و مورد استفاده در شهرسازی ایرانی-اسلامی پرداخته می‌شود. این اصل یکی از مهم‌ترین قوانین لازم برای دستیابی به انسجام شهری می‌باشد. در شهرهای گذشته ما سلسله مراتب به صورت پیوسته در کلیه مقیاس‌ها از استخوان‌بندی شهر تا ترکیبات معماری مورد توجه بوده است؛ لیکن مرور تجربیات شهری معاصر نشان می‌دهد که لفظ سلسله مراتب به صورت صوری و غالباً موردی و موضعی مطرح بوده است نه اینکه مفهوم جامع آن (شامل موارد و مراتب لازمه و توجه به کلیت کالبد فضاهای شهری و معانی آن‌ها) مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت چیدمان‌های شطرنجی و شبکه‌ای بسیاری از طرح‌های شهری امروز تنها خیال انسجام شهری را با خود به همراه دارند؛ زیرا که در طرح‌هایی که امروزه با اهداف مختلف برای شهرها ارائه می‌شوند، مقیاس‌های میانی و فضاهای اشتراکی به عنوان دو عنصر ایجاد کننده سلسله مراتب و متعاقباً انسجام شهری مورد فراموشی قرار گرفته‌اند. در این مقاله ابتدا به تشریح مفهوم عام این اصل و همچنین مفاهیم عرفانی آن در عرفان اسلامی و ایرانی پرداخته شده است، سپس ابعاد مختلف اصل سلسله مراتب در محیط‌های مصنوع به کمک مصادیق تصویری شهرهای ایرانی-اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد و در پایان با بررسی موارد فوق در نمونه موردی محدوده پیرامون بازار تهران، رهنمودهایی به منظور به‌کارگیری این اصل در طراحی شهری امروز ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: طراحی شهری، عرفان اسلامی، شهر ایرانی-اسلامی، اصل سلسله مراتب، مقیاس‌های میانی، فضای رابط.

مقدمه

جوامع سنتی در یک فضای معنوی زندگی می‌کنند که هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی جوای همگنی و تناسب کامل است. آفریده‌های معماری آن چون از جهان‌بینی تام و کامل مایه می‌گیرد که نیروی خلاقه انسان را پدید آورده‌اند و آن‌را به سوی غایتی رهنمون می‌کند که جامعه را به صورت یک محل واحد در می‌آورد؛ در ورای این وحدت و پیوستگی یک شالوده انکار ناپذیر دیده می‌شود که تفهیم آن برای درک سنت ایران ضروری است (Ardalan, 2001).

تمدن اسلامی ارائه دهنده نمونه‌ای برجسته از یک تمدن سنتی است که حضور بعضی اصول تبدیل‌ناپذیر که بر این تمدن مسلط بوده‌اند به روشنی پیداست.

در واقع هنر اسلامی را نمی‌توان چیزی جزء تفکر و تعمقی در عالم ماده، عالم نفس و حتی عالم وحی قرآنی دانست. معماری سنتی ایران نیز در واقع تصویری از کیهان یا انسان است. در شهرسازی نیز همچون معماری چنین درکی مصداق دارد که براساس هیچ نقشه‌ای از پیش طرح‌ریزی نگردیده است، اما دارای نظام هماهنگ می‌باشد. و نیز انسان و کیهان خود محصول هنر قدسی‌اند و وابسته به ذات الهی، که در واقع نوعی وحدانیت را به نمایش می‌گذارند که در راه رسیدن به ذات الهی‌اند، و در راه رسیدن به این خواست انسان موجب گردیده که علوم و فنون گسترده‌ای به وجود آید؛ که سلسله مراتبی غیر قابل اجتناب را پذیرا است (Mohammadian, 1996).

این نوشته در ارتباط با اصل سلسله مراتب می‌باشد. اصلی که نه تنها مختص فضاهای معماری و شهری نیست؛ بلکه در تمامی عوالم وجود دارد (هفت طبقه آسمان، هفت شهر عشق عطار) و امری است که ساخته و پرداخته دست بشر نبوده و توسط معمار طبیعت خلق شده است. به منظور تشریح بیشتر این اصل ابتدا به تعریف شهر ایرانی-اسلامی و مفهوم اصل سلسله مراتب در آن پرداخته و پس از آن انواع و درجات مختلف آن در محیط مصنوع مورد کنکاش قرار می‌گیرد. بررسی این اصل توسط مصادیقی از بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی-اسلامی گام بعدی در این پژوهش می‌باشد. سرانجام اصول مطرح شده در نمونه موردی (بافت اطراف بازار تهران) مورد تحلیل قرار گرفته و رهنمودها و نتایج برگرفته از مطالعات پیشین ارائه می‌شود.

۱. شهر اسلامی

چیستی و چگونگی "شهر" و "شهر اسلامی" در آموزه‌های اسلامی، خواستگاه و منشأ مباحث گسترده و دنباله‌داری است که نیازمند نگاهی عمیق و کندوکاوی وسیع در منابع ارائه‌کننده این آموزه‌هاست. قرآن کریم از جمله منابع اصیل و بنیادین در تشریح رویکرد اسلام به ویژگی‌های شهر مطلوب است.

شهر اسلامی تنها شهری با گنبد و مناره‌های متعدد، برخوردار از اماکن مذهبی متنوع، دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوایل اسلام و یا شهری با انسان‌هایی موحد نیست. هنوز تعریفی کامل از شهر اسلامی و خصوصیات آن ارائه نشده است.

شهر اسلامی عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره را منعکس می‌نماید، که از میان آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تطبیق محیط مصنوع شهر با ویژگی‌های طبیعی
 - شکل‌گیری مرکز فرهنگی بر اساس اعتقادات مذهبی
 - انعکاس قوانین اسلامی بر حسب قلمروهای عمومی و خصوصی
 - پایه‌گذاری سازمان اجتماعی بر اساس شباهت‌های قومی و نژادی (Saoud, 2002).
- از میان بی‌شمار معیارهای دستیابی به شهر اسلامی می‌توان به دارا بودن وحدت، مفهوم امت، زیبایی، هویت، توحید و غیره اشاره نمود.

لازم به ذکر است که هر کدام از معیارهای دستیابی به شهر اسلامی نیز خود به زیر معیارهایی تقسیم‌بندی می‌شوند. به عنوان مثال برای رسیدن به توحید، لازم است ویژگی‌هایی چون تواضع، ذکر و غیره؛ برای رسیدن به وحدت ویژگی‌هایی چون تعادل، توازن، پیوستگی فضایی، سلسله مراتب و غیره مورد توجه قرار گیرند.

در این مقاله از میان ویژگی‌های نام برده اصل سلسله مراتب به علت اهمیت آن در نظام هستی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مفهوم سلسله مراتب

نقش علوم جهان‌شناختی اسلامی در جای دادن انسان در سلسله مراتب کیهانی از طریق آن جنبه‌های این علوم صورت می‌گیرد که با ساختمان سلسله مراتبی جهان و انسان و تناظرها و روابط طرفینی آن‌ها سروکار دارد که همه آن‌ها اشاره به حقیقتی است که در ماورای سلسله مراتب جهان کبیر و در مرکز جهان صغیر جایگزین است. از طریق تحقیق و مطالعه و سرانجام آزمودن این سلسله مراتب است که انسان از منزلگاه زمینی خود که این علوم از آنجا آغاز می‌شود به عرش روحانی صعود می‌کند که منبع و منشاء علوم سنتی را باید در آن جستجو کرد (Nasr, 2001).

سلسله مراتب یکی از اصول اساسی حاکم بر مجموعه‌ها و اجزاء و پدیده‌هایی است که یا به طور طبیعی در جهان هستی به عنوان یک کل وجود دارند و یا توسط انسان طراحی و ایجاد می‌شوند. اصل سلسله مراتب نقش بسیار مهمی در تعریف اجزا و کل یک مجموعه ایفا نموده و به آن‌ها هویت می‌بخشد. به بیان دیگر این اصل یکی از معیارهایی است که می‌تواند در تعریف نظم حاکم بر مجموعه‌ها و ارتباط بین اجزای آن‌ها و همچنین ارتباط هر یک از اجزاء با کل مجموعه و همچنین تعریف مختصات هر جزء ایفای نقشی بنیادین را عهده‌دار باشد. بنابراین ویژگی‌های سلسله مراتب حاکم بر مجموعه‌ها ابزار مهمی است که در مطالعاتی که در تعریف و تعیین جایگاه و ارزش اجزاء و کل یک مجموعه، به منظور بیان ویژگی‌ها و عملکرد هر یک از آن‌ها، برای تعیین مختصات ارتباط اجزاء با یکدیگر، و روشن شدن وابستگی اجزا با یکدیگر و با کل مجموعه انجام می‌پذیرد، محقق را در شناسایی خصوصیات اجزاء و کل و عملکرد و نقش هر یک از آن‌ها مدد می‌رساند (Naghizadeh, 1997).

به اجمال می‌توان گفت که سلسله مراتب، ارتباطی سیستماتیک را بین اجزاء نظام یافته‌ای بنیان می‌نهد که خود تشکیل دهنده یک کل هستند. نظم سلسله مراتبی در تعریف و تعیین موقعیت و ارزش هر جزء یک کل و همچنین ارزش یک کل را به تنهایی و نسبت به سایر مجموعه‌ها تعریف می‌کند (Naghizadeh, 1997).

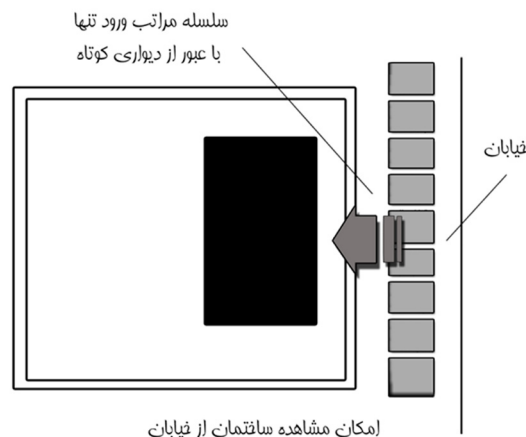
۲-۱- انواع سلسله مراتب در محیط مصنوع

سلسله مراتب حاکم بر فضاها و قلمروهای گوناگون موجود در مجتمع‌های زیستی تحت دو عنوان اصلی قابل بررسی هستند که موارد سلسله مراتب حقوقی و سلسله مراتب حقیقی را در برمی‌گیرد.

۲-۱-۱- سلسله مراتب حقوقی

این نوع سلسله مراتب را، خطوط یا سطوح بر طبق قوانین و یا عرف جامعه تعریف می‌کنند. مثل اینکه یک دیوار کوتاه، یک پرچین، یک در، یک نرده، حایل شیشه‌ای و یا حتی یک خط (غالباً تغییر مصالح) حدود فضاها و قلمرو مالکیت‌ها را تعیین نمایند و به ناظر القا کنند که حد قلمروهای متفاوتی هستند و او با عبور از آن‌ها از فضا و یا قلمرویی به فضا و یا قلمرویی دیگر وارد می‌شود. این عناصر اگرچه غالباً موانعی حقوقی و عرفی برای جسم و کالبد انسان می‌باشند، ولی نمی‌توانند مانعی برای نفوذ سایر حواس انسان از جمله بینایی و بویایی و شنوایی به قلمرو دیگر باشند. به عبارت دیگر، اگر چه سطوح و حتی احجام، با این حدود تفکیک می‌شوند، لکن فضای آن دو مشترک بوده و ارتباطات بصری، صوتی و بویایی و از همه مهمتر ارتباط روانی و احساس یگانگی فضایی بین آنها برقرار می‌باشد. این نوع سلسله مراتب گرایش به برون‌گرایی دارد (تصویر ۱) (Naghizadeh, 1997).

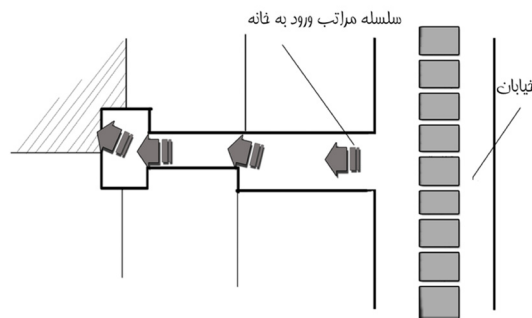
تصویر ۱: سلسله مراتب حقوقی (تمایل به برون‌گرایی) در معماری امروز



۲-۱-۲- سلسله مراتب حقیقی

در این گونه از سلسله مراتب هر قلمرو با سطوح و احجام فضایی تعریف شده و با هویت ویژه خویش از سایر قلمروها جدا می‌شود. این سطوح و احجام و فضاها در واقع خود به گونه‌ای می‌توانند به عنوان یک قلمرو تعریف شوند که ارتباط بین دو قلمرو اصلی را برقرار نموده و ضمن تعریف حدود و مرز قلمروها امکان ارتباط بین دو قلمرو اصلی را برقرار نموده و امکان ارتباط یکباره قلمروهای متفاوت را از بین می‌برند. این گونه سلسله مراتب در جهت تجلی کالبدی بخشیدن به ایده درون‌گرایی که از اصول شناخته شده معماری و شهرسازی مسلمانان است، نقش اساسی ایفا می‌نماید (تصویر ۲) (Naghizadeh, 1997).

تصویر ۲: سلسله مراتب حقیقی (تمایل به درون‌گرایی) در معماری گذشته



۲-۲-۲- ابعاد سلسله مراتب در محیط مصنوع

۲-۲-۱- سلسله مراتب محله‌ای

در گذشته شهرها و روستاها به محله‌های مختلفی تقسیم می‌شدند که هر کدام با ویژگی‌های اجتماعی ساکنین خود برای اهالی محله و حتی کلیه شهروندان شناخته شده بودند (Naghizadeh, 1997).

۲-۲-۲- سلسله مراتب عبوری

طراحی اصولی از نظر سلسله‌مراتبی آن است که حرکت سواره را بر سلسله‌مراتبی (سطوح مختلف دسترسی) استوار کند. کاهش تدریجی دسترسی از پخش کننده محلی تا فضای دسترسی به چند واحد مسکونی، تأثیر و یا حضور وسایل نقلیه را در محیط مسکونی کم می‌کند و از مخاطراتی که وسایل نقلیه به بار می‌آورد، می‌کاهد (Tavassoli, 1986).

۲-۲-۳- سلسله مراتب عملکردی

این گونه از سلسله مراتب با مشخصات و ویژگی‌هایی از قبیل: میزان مراجعه، تنوع استفاده‌کننده، مکان استقرار، نوع خدمات و حوزه نفوذ یا عمل یک عملکرد شهری تعریف می‌شود (Pimia, 1990). این همان خصیصه‌ای است که در طراحی شهری به عنوان مرکز شهر، مرکز ناحیه، مرکز محله، مرکز اداری، مرکز تجاری و غیره و همچنین به لحاظ شدت و میزان تمرکز سلسله مراتب آن‌ها باید مورد توجه طراحان قرار گیرد.

۲-۲-۴- سلسله مراتب فضایی

این گونه از سلسله مراتب به ارتباط داخل ساختمان و فضاهای خارج مجاور آن می‌پردازد و جزئیات این ارتباط را روشن می‌کند. برای شناسایی و تجزیه و تحلیل روشن‌تر، می‌توان ساختمان‌ها را به دو دسته عمده تقسیم کرد: ساختمان‌های عمومی و ساختمان‌های خصوصی.

الف- ساختمان‌های خصوصی: این دسته به طور عمده مشتمل بر انواع مسکن می‌باشد. طبیعت مسکن خلوت و آرامش خاص خود را طلب می‌کند که با خلوت و آرامش ابنیه عمومی به طور کامل متفاوت است. این گونه از سلسله مراتب در بسیاری از نمونه‌های موجود در واحدهای مسکونی بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی قابل مشاهده است.

ب- ساختمان‌های عمومی: آنچه که در همه ابنیه عمومی ویژگی مشترک است، عبارت از این است که درون آن‌ها باید از غوغای بیرون در امان باشد. ضمن آن که برخی از آن‌ها به دلیل ویژگی خاص خود تأکید بر روی فضای رابط بین درون و بیرون را با شدت بیشتر و ویژگی‌های خاص تعریف شده واضح‌تری می‌طلبد (Naghizadeh, 1997).

رابط علاوه بر تفکیک دو قلمروی بیرون و درون که نقشی کالبدی است، نقش‌های دیگری را نیز ایفا می‌نماید که اگر چه درجه توفیق آن‌ها غالباً کالبدی و قابل بررسی و اندازه‌گیری با وسایل عادی نمی‌باشد، لیکن از اهمیتی خاص برخوردار بوده و رعایت آن‌ها بیانگر تجلی کالبدی برآمده از فرهنگ جامعه است (Mortada, 2003).

۳. جایگاه سلسله مراتب در علوم و معارف سنتی و اسلامی - ایرانی

سلسله مراتب یکی از اصول حاکم بر جهان هستی و عالم وجود می‌باشد. وجوه و جنبه‌های گوناگون این اصل را از منظر تمامی علوم و دانش‌های سنتی و امروزی می‌توان مورد شناسایی قرار داد. اما آنچه که در این مبحث مورد توجه است بررسی و شناخت جایگاه اصل سلسله مراتب در علوم و معارف سنتی و ایرانی است.

در شاخه‌های مختلف علوم و معارف سنتی، اصل سلسله مراتب از اصول بنیادین و زیربنایی است. تا آنجا که در سراسر شاکله‌های جهان‌شناختی، مضمون ثابت جهان سلسله مراتبی تجلی و نمود یافته است و دارای ارتباطی عمیق با وجود باطنی انسان است (Nasr, 2001).

در مباحث مربوط به وجودشناسی، یکی از نتایج نظریه بنیانی وحدت وجود که توسط ابن‌عربی و شاگردانش مدون گشته است - مبحث سلسله مراتب وجود است که در تاریخ حکمت و فلسفه سنتی و اسلامی - ایرانی، مورد توجه بسیاری از حکما و فلاسفه بوده است. در واقع باید گفت مبحث سلسله مراتب وجود یکی از جنبه‌های عمیق و اصیل سلسله مراتب در عالم هستی است (Mohammadian, 1996).

سلسله مراتب وجود یا پیدایش کثرت از وحدت، به جاری شدن اعداد از عدد واحد تشبیه شده است و مراتب عالم که از خالق باری شروع شده و به موجودات ارضی ختم می‌شود، بدین صورت ترتیب داده شده است، خالق، عقل، نفس، هیولی، طبیعت، جسم، خاک، عناصر، موجودات این عالم که عبارتند از: جمادات، نباتات و حیوانات (Nasr, 1996). حکیم صدرالمتاهین شیرازی این مراتب را در سه مرتبه محسوس، متخیل و معقول طبقه‌بندی می‌نماید و چنین اظهار می‌دارد (Nadimi, 1994):

«نیست موجودی در این عالم، مگر آن‌که برای آن نفسی است در عالم دیگری به عالم نفس (عالم خیال) و عقلی است در عالمی دیگر به نام عالم عقل». ملاصدرای شیرازی نیز در باب نفس انسانی قائل به درجات و منازل هفتگانه است. «نخستین منازل نفس انسانی، درجه محسوسات و سیر در عوالم اجرام و اجسام و مادیات است... بعد از درجه احساس، درجه خیال و تخیلات و ادراکات خیالی است... و مرتبه سوم، درجه و مرتبه موهومات است... تا بدین حد هر انسانی که دارای درجات نامبرده به خصوص مرتبه و درجه سوم باشد، با حیوانات و بهائم و سهیم و شبیه و شریک است و بعد از طی مراتب مذکور آنگاه به عالم انسانیت ارتقا می‌یابد».

۴. تجلی کالبدی سلسله مراتب در معماری و شهرسازی ایران

درک و شناخت انسان جامعه سنتی از مسأله سلسله مراتب در وجوه و جنبه‌های مختلف آن رنگ تعین به خود گرفته و اثرات قابل توجهی در حیطه مصنوعات بشری از جمله معماری و شهرسازی گذاشته است. انسان جامعه سنتی به دلیل پایبندی و اعتقاد به چنین اصولی خود را ملزم به رعایت آن نیز می‌دانسته است و لذا معماری و شهرسازی سنتی، به عنوان یکی از نمودهای بارز مصنوعات بشری و همچنین به دلیل خصوصیات خاص سنت دارای ابعاد مختلفی از سلسله مراتب گشته است (Nasr, 2001).

یکی از مهم‌ترین تجلیات کالبدی رعایت سلسله مراتب در ابنیه معماری و شهرهای ایرانی یعنی بروز و تقویت درون‌گرایی به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز این شهرها بوده است. به عبارت دیگر درون‌گرایی موجود در شهرها و بناها یکی از اثرات اعمال سلسله مراتب مورد نظر در قلمروهای مختلف حیات فردی و جمعی بوده است. به گونه‌ای دیگر می‌توان گفت که حفظ و اعمال ارزش‌هایی مانند: حریمیت، آرامش، امنیت، خلوت، حیا، سادگی، تنظیم شرایط محیطی در انواع اقلیم‌ها و توجه به درون بیشتر از بیرون سبب شد تا یک نوع سلسله مراتب قوی، روشن و منحصر به فرد در شهرهای اسلامی به وجود بیاید (Nasr, 2001).

در شهرهای ایرانی - اسلامی از دوران باستان این‌گونه شکل‌دادن به ابنیه به ویژه در مورد مسکن، مسجد و مدرسه رواج یافت و امروزه به عنوان یکی از اصول اصلی معماری و شهرسازی اسلامی مطرح می‌باشد.

دستیابی به سلسله مراتب که پاسخگوی ارزش‌های موجود در جامعه ایران بوده است، اثراتی عمده بر خلق عناصر واسطه، فرم‌های معماری، محل استقرار و اندازه بازشوها، محل استقرار ورودی به ابنیه نسبت به یکدیگر و غیره بود. سلسله مراتب به صورت متنوعی در کلیه زمینه‌های پیچیده و پویای شهری به کار رفته است:

- سلسله مراتب در ساختار فضایی: شهر، محله

- سلسله مراتب دسترسی

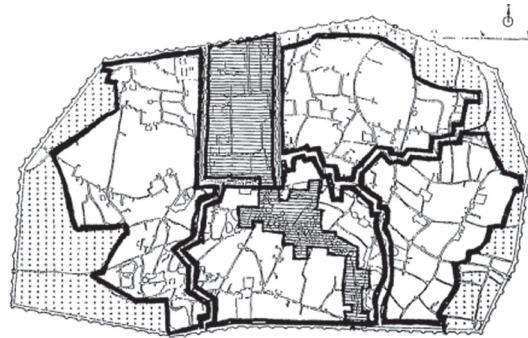
- سلسله مراتب فضاهای شهری از حیث عملکرد، حریمیت و غیره

- سلسله مراتب اجزای فرم شهری
- سلسله مراتب عناصر نمادی: مسجد (Bahrainy, 1995).

۴-۱- سلسله ساختار فضایی

در شهرهای سنتی ایرانی، نظام سلسله مراتبی ساختار کالبدی شهر بدین صورت بوده است که استخوان‌بندی اصلی در مرکز شهر، محله‌های مسکونی در پیرامون آن، باغ‌ها و مزارع در حواشی محله‌های مسکونی و سپس احاطه کل شهر با حصار بوده است (تصویر ۳).

تصویر ۳: نظام سلسله مراتبی در ساختار فضایی شهر



(Hamidi, 1998)

۴-۲- سلسله مراتب دسترسی

طراحی اصولی از نظر دسترسی آن است که حرکت سواره را بر سلسله مراتبی (سطوح مختلف دسترسی) استوار کند. در اینجا هر نوع دسترسی بخش ویژه خود را از نظر سیمای بصری و سایر معیارهای کالبدی داراست. با رعایت سلسله مراتب دسترسی، کاهش تدریجی دسترسی از پخش کننده محلی تا فضای دسترسی به چند واحد مسکونی صورت گرفته و در نتیجه تأثیر و حضور وسایل نقلیه در محیط مسکونی کم می‌شود و مخاطراتی که وسایل نقلیه به بار می‌آورد کاهش می‌یابد (Tavassoli, 1990).

وجود سلسله مراتب در شبکه معابر، فراهم آوردن امکان نظارت عمومی، امنیت خانه‌ها و معابر و محله‌ها را به همراه خواهد داشت. لکن محله‌ها طراحی شده جدیدی که ایده سلسله مراتب شبکه راه‌ها در آنها عموماً برای حرکت خودرو طراحی و برنامه‌ریزی شده موفق نبوده‌اند؛ زیرا در گذشته این اصل براساس حرکت پیاده شکل می‌گرفته است (Naghizadeh, 2004).

در نظام سلسله مراتب راه‌ها، عوامل زیر در تعیین موقعیت راه و به تبع آن، ویژگی‌های هرگونه از معابر مؤثرند:

- مبداء و مقصد راه
- عملکردهای راه
- عناصر شهری مجاور راه
- نوع دسترسی راه (Ahari, 2002).

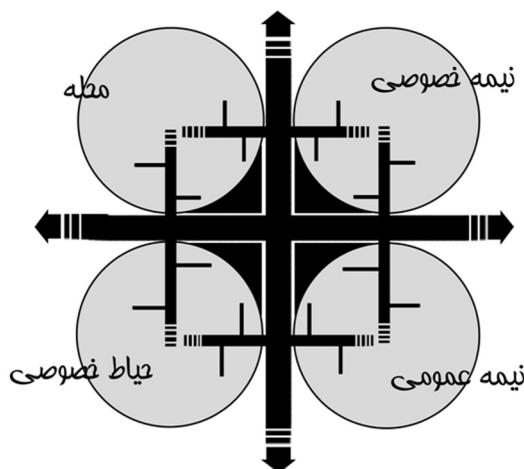
۴-۳- سلسله مراتب فضا

با بررسی تجربه گذشتگان در شهرهای قدیمی ایران سه نوع فضا مشخص می‌شود:

- فضای خصوصی شامل حیاط و عناصر در برگیرنده آن
- فضای نیمه عمومی - نیمه خصوصی به صورت یک بن بست اختصاصی با یک هشتی که به چند خانه راه دارد.
- فضای عمومی به صورت گذر و میدان (Tavassoli, 1986).

در شهرهای ایرانی - اسلامی به علت غلبه جهان بینی اسلامی حریمیت افراد در فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Mortada, 2003). به واقع حریمیت به عنوان حق شخصی افراد بوده است و القاکننده مفاهیمی چون عرصه، حریم، قلمرو و حوزه نفوذ می‌باشد. در شرایط مطلوب، شبکه‌ای از سلسله مراتب حریمیت، فضای شهری را در بر می‌گیرد. این سلسله مراتب از واحدهای مسکونی به عنوان محرم‌ترین و خصوصی‌ترین فضا شروع و به عمومی‌ترین فضای مرکزی شهر ختم می‌شود (تصویر ۴) (Bahrainy, 1995).

تصویر ۴: نظام سلسله مراتبی محرمیت در فضاهای شهری



سلسله مراتب موجود در بافت‌های تاریخی شهرها، موجب نوعی حیا می‌شد. بسیاری از دریافت‌های بصری و صوتی و بویایی که امروزه در شهرها به وفور در دسترس همگان هستند بر مردمان شهرها مستور و پوشیده بودند (Naghizadeh, 2004). عدم توجه به نظام سلسله مراتبی در ساختار شهر، از نظر محرمیت می‌تواند از بسیاری جهات عملکرد صحیح و منطقی شهر را با مشکل مواجه سازد و موجب جنبه‌ای از اشراف می‌شود که امروزه در بسیاری از ساخت و سازها قابل مشاهده است (Bahrainy, 1995).

از دیگر عناصری که در شهرهای امروز بنا به دلایلی از جمله سبک به فراموشی سپرده شده‌اند؛ عناصر ایجادکننده این فضاهای میانی و متصل کننده می‌باشند. به تعبیری همان اجزای اتصال‌دهنده فضای درون و بیرون هستند (Salingarous, 2000). این فضای میانی که بنا به عقیده سالینگاروس در فرهنگ‌ها و موقعیت‌های مختلف به اشکال مختلفی از قبیل کریدورهای رومی، خیابان‌های طاقدار در آفریقای شمالی و غیره بروز می‌کرده است، در شهرهای ایرانی-اسلامی نیز به صورت فضاهایی از قبیل جلوخان، ورودی، گذرهای سرپوشیده، رواق و ایوان وجود داشته است. گروه دیگری از اجزاء که سلسله مراتب را در فضاهای شهری تقویت نموده‌اند اجزای شکل‌دهنده محیط شهری پیاده می‌باشند. این اجزاء در شهرهای اتومبیل محور امروزه مورد غفلت قرار گرفته‌اند (Salingarous, 2000). قابل ذکر است گذرهای سرپوشیده، دیوارهای کوتاه، طاق‌ها و راه‌های پیاده در شهرهای ایرانی-اسلامی از این نوع عناصر می‌باشند. تصویر ۵ خیابان باب همایون تهران را در زمان قاجاریه نشان می‌دهد که چگونه برای حرکت پیاده مناسب‌سازی شده است.

۵. سلسله مراتب کارکردی فضاهای شهری در گذشته

۵-۱- سلسله مراتب کارکردی راه‌ها

هر یک از انواع راه‌ها از موقعیت کمابیش معینی برخوردار بودند که موجب هدایت و کنترل فعالیت‌ها و رفتارهای جاری در آن می‌شد. در یک طبقه‌بندی کلی راه‌های درون شهری به سه نوع زیر طبقه‌بندی می‌گردد: راه‌های شهری، راه‌های ناحیه‌ای، راه‌های همسایگی (تصویر ۵) (Soltanzadeh, 1996).

تصویر ۵: خیابان باب همایون تهران را در زمان قاجاریه، مناسب برای حرکت پیاده



(Hamidi, 1998)

۲-۵- سلسله مراتب کارکردی میدان‌ها

میدان‌ها به چهار دسته طبقه‌بندی می‌گردند؛ میدان‌های برون شهری، میدان‌های شهری، میدان‌های ناحیه‌ای، میدان‌های محله‌ای و میدان‌های همسایگی (Soltanzadeh, 1996).

۳-۵- سلسله مراتب کارکردی ورودی‌ها

ورودی‌های شهری به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ ورودی‌های اصلی (معمولاً ورودی اصلی بناهای بزرگ و مهم معماری-شهری)، ورودی‌های فرعی (این ورودی‌ها غالباً در گوشه‌های بنا و در مکان‌هایی قرار داشتند که نسبت به محل ورودی اصلی دارای اهمیت کمتر بودند) (Soltanzadeh, 1996).

۶- سلسله مراتب در ترکیبات معماری

معماری و شهرسازی سنتی، به عنوان یکی از نمودهای بارز مصنوعات بشری و همچنین به دلیل خصوصیات خاص سنت که تجمیع‌کننده اندوخته‌های اعصار متمدنی است، دارای ابعاد مختلفی از سلسله مراتب گشته است.

اصل رده‌بندی یا سلسله مراتب فضایی در معماری را در سه سطح آشکارا می‌توان دید:

۱. رده‌بندی فضایی میان درون و بیرون که بر مرزبندی حریم‌های فضایی تأکید دارد؛
 ۲. رده‌بندی کالبدی میان کالبدهای جزئی و کالبدهای کلی برای نمایش سیر از جزء به کل و از ساده به پیچیده؛
 ۳. رده‌بندی در نگاره‌ها و آرایه‌ها از نگاره بنا تا نگاره کل (Noghrekar, 2008).
- بنا به نظر دیگری سلسله مراتب در ترکیبات معماری در دو بخش قابل بررسی است:

۱. به لحاظ قرارگیری سوژه در یک بافت، که سلسله مراتب اهمیت یافتن آن سوژه در بافت بستگی به سه عامل دارد:

- اندازه استثنائی سوژه در بافت
- شکل و ترکیب حجمی
- تقدس فضا

۲. خود فضا که تحت تأثیر عوامل زیر دارای سلسله مراتبی خواهد بود:

- سلسله مراتب به لحاظ فضاهای عملکردی
- سلسله مراتب دسترسی‌ها
- سلسله مراتب حریم‌ها
- سلسله مراتب ایستایی
- سلسله مراتب سایه روشن‌ها
- سلسله مراتب ادراک فضاهای شهری از سیلویت کلی شهر تا جزئی‌ترین جزئیات تزئیناتی معماری (Okhovvat, 1996).

۱-۶- سلسله مراتب کارکردی ورودی‌ها

۱. ورودی‌های اصلی: معمولاً ورودی اصلی بناهای بزرگ و مهم معماری-شهری در امتداد یکی از محورهای تقارن فضای باز داخلی بنا (حیاط) و در مکانی استقرار می‌یافت که از فضاهای باز و راه‌های مهم پیرامون بنا به خوبی قابل مشاهده باشد.

۲. ورودی‌های فرعی: این ورودی‌ها غالباً در گوشه‌های بنا و در مکان‌هایی قرار داشتند که نسبت به محل ورودی اصلی دارای اهمیت کمتر بودند (Soltanzadeh, 1996).

۲-۶- سلسله مراتب اجزای فرم شهری

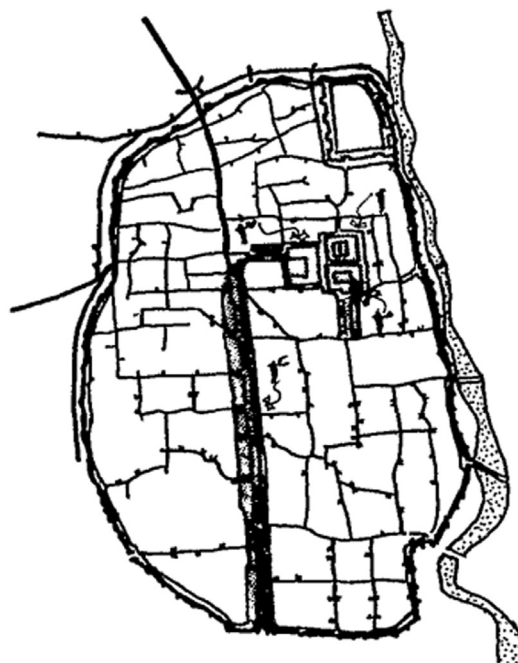
دو جزء مهم فرم شهری شکل و مقیاس می‌باشند، که دارای سلسله مراتبی ویژه بوده‌اند. با مطالعات و شهود در نمونه‌های موجود شهرهای ایرانی- اسلامی می‌توان نظام سلسله مراتبی این دو جزء را به شرح زیر تشخیص داد.

- شکل: فرم‌های مستقیم و صاف توسط نقاط ابتدایی و انتهایی خود بسته می‌شوند. بنابراین این اشکال یک مقیاس ثابت و مشخص دارند که مرتبط با طول آن‌ها می‌باشد. در حالی که یک فرم غیرمستقیم و پیچیده شامل مقیاس‌های کوچکتری است که توسط شکستگی‌های آن تعریف می‌گردد (Salingarous, 2000).

نمونه‌های موجود شهرهای ایرانی- اسلامی همانند تصویر ۳ توجه به این اصل را با استفاده از فرم‌های ارگانیک و شکسته در ساختارهای فرعی نشان می‌دهد.

- مقیاس: فرم شهری از طریق ابزار ناکامل چشم انسان درک می‌گردد که تنها قادر به دریافت سطح محدودی در یک نگاه می‌تواند باشد. درک فرم شهری توسط انسان متناسب با فاصله انسان است. به‌طور مثال انسان از فواصل دور تنها قادر به درک فرم کلی شهر است و در فواصل دورتر، تصویر شهر جایگزین فرم شهری می‌گردد که این تصویر متشکل از عناصر بصری محیط از قبیل مراکز فعالیتی، نشانه‌ها، مرزها و سیستم‌های حرکتی همزمان^۱ می‌باشد. در مقیاس‌هایی کوچک‌تر که فرم تنها توسط عابر پیاده قابل درک است، چیدمان ترکیبی از فضاها و عناصر معماری باید مورد توجه قرار گیرد (Banz, 1970). در تصویر ۶ فرم کلی شهر بغداد در دوره اسلامی نشان داده شده است که گویای این موضوع است که چشم انسان قادر است این شکل را از فاصله مناسب به صورت یک کل درک نماید.

تصویر ۶: فرم کلی شهر بغداد



(Hamidi, 1998)

۷. سلسله مراتب و استخوان بندی شهر

هدف طراحی شهری در نهایت نظم‌دهی به ترکیب فضایی- کالبدی ساختار فضایی شهر است (Tavassoli, 2003). بنابراین درک نظم و اصول حاکم بر ساختار شهرهای گذشته طراح را در مهم‌ترین هدف وی مدد می‌نماید. نظم شهر شبیه یک کریستال است که ذرات آن به وسیله یک مغناطیس پولاریزه شده است. در شهرهای سنتی این مغناطیس همان سیستم حرکتی بازار است و ذرات آن مغازه‌ها، مساجد، حمام‌ها، بازارها و کاروانسراها هستند. پیوند سلسله مراتبی فضاها در شهر، یک سازمان منظم را به وجود می‌آورد که هم تداوم و هم تغییر را امکان پذیر می‌سازد. شهر با استخوانبندی‌های انسان مشابهت‌هایی دارد. نظام‌های شهر به هم وابسته‌اند؛ اما از توسعه سایر نظام‌ها در طول زمان جلوگیری نمی‌کند (Ardalan, 2001).

۸. نمونه موردی

بازار یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده شهرهای ایرانی-اسلامی بوده است که به‌واقع جایگاه خوبی برای نشان دادن ابعاد مختلف سلسله مراتب در شهرهای ایرانی اسلامی می‌باشد. این عنصر از مهم‌ترین فضاهای ارتباطی و عمومی شهر به شمار می‌آید و بیش‌ترین رفت و آمد در آن صورت می‌گیرد، بسیاری دیگر از فضاهای عمومی شهر نیز در کنار راسته اصلی بازار یا با فاصله اندکی از آن ساخته می‌شود. برای مثال می‌توان به مسجد جامع اشاره کرد که به‌طور معمول در کنار بازار - مگر در موارد خاص - ساخته می‌شود (Soltanzadeh, 1996).

در نمونه مورد مطالعه که بافت محدوده اطراف بازار سنتی تهران می‌باشد، سلسله مراتب در کلیه ابعاد و زمینه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است. در صورت امکان به وضع موجود محدوده موردنظر موارد ذکر شده، ارجاع داده شده است و در مواردی که تغییرات معاصر در شهر نظام سلسله مراتبی این بخش را مخدوش نموده به مثال‌های تاریخی آن رجوع شده است:

۸-۱- سلسله مراتب در ساختار فضایی: شهر، محله

اولین درجه از سلسله مراتب در شهر، متشکل بودن شهر از اجزای کوچکتر است که نمونه مورد مطالعه بخشی از شهر تهران و محله بازار می‌باشد.

۸-۲- سلسله مراتب دسترسی

سلسله مراتب دسترسی در نمونه مورد مطالعه در تصویر ۷ به وضوح قابل مشاهده است، گذر اصلی مرکزی و کوچه‌های فرعی منشعب از آن که به بن‌بست‌های نیمه خصوصی ختم می‌شوند. اگرچه خیابان‌کشی‌های صورت گرفته در دهه‌های اخیر تا حدودی این نظم را مخدوش نموده‌اند که در سمت چپ همان تصویر قابل مشاهده است.

تصویر ۷: سلسله مراتب دسترسی در بافت پیرامون بازار تهران



۸-۳- سلسله مراتب فضاهای شهری از حیث عملکرد و حریمیت

بخشی از محدوده مسکونی اطراف بازار در تصویر ۸ نشان داده شده و درجات حریمیت فضاها برحسب عملکردشان روی آن مشخص شده است. واحدهای مسکونی به عنوان فضای خصوصی رو به یک فضای جمعی در مالکیت چند واحد مسکونی دارند که فضایی نیمه خصوصی است و پس از آن کوچه و خیابان قرار می‌گیرند که نقش عمومی‌تر را ایفا می‌نمایند. فضاهای نیمه عمومی در بافت‌هایی غیرمسکونی که بحث حریمیت فضا اهمیت زیادی ندارد نقش فضاهای اشتراکی را ایفا می‌کنند که در انسجام شهری مؤثر هستند.

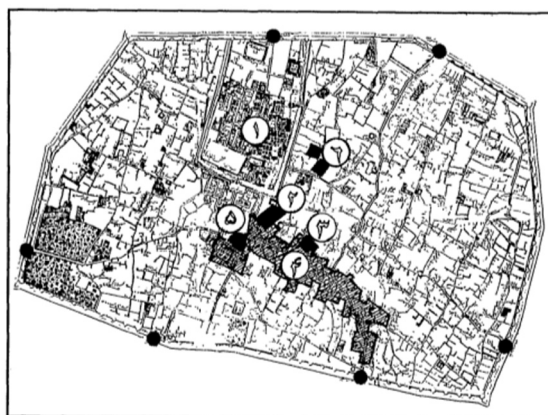
تصویر ۸: سلسله مراتب فضای شهری از حیث عملکرد و محرمیت در بافت پیرامون بازار تهران



۴-۸- سلسله مراتب اجزای فرم شهری

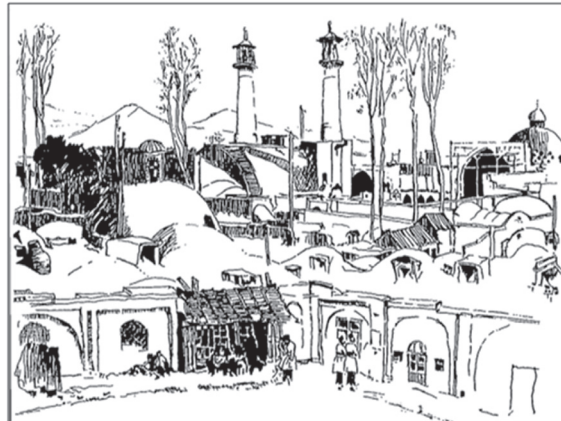
سلسله مراتب اجزای فرم در بازار در شکل کلی آن که متشکل از خطوط متعدد و شکسته در نقش سراها، راسته‌ها و غیره می‌باشد، نمایان است. به‌علاوه درک فرم محدوده بازار در سلسله مراتبی از مقیاس‌های مختلف از شکل کلی تا مقیاس‌های قابل درک توسط پیاده در دوره قاجاریه در تصاویر ۹ و ۱۰ نشان داده شده است.

تصویر ۹: سلسله مراتب اجزای فرم شهری؛ شکل و مقیاس، فرم کلی بازار تهران، ۱- ارگ حکومتی، ۲- مسجد شاه، ۳- مسجد جامع، ۴- بازار، ۵- امامزاده، ۶- مجموعه مروی



(Hamidi, 1998)

تصویر ۱۰: سلسله مراتب اجزای فرم شهری؛ مقیاس، فرم قابل درک بازار تهران در مقیاس پیاده در دوره قاجاریه



(Hamidi, 1998)

۵-۸- سلسله مراتب عناصر نمادی، مسجد و غیره

در محدوده بافت بازار تهران عناصر نمادین و مهمی از قبیل مساجد در درونی‌ترین نقاط واقع شده‌اند و خرده فروشی‌ها بدنه بیرونی بازار را تشکیل می‌دهند. به‌علاوه سلسله مراتب جز از طریق موقعیت فضایی، توسط عوامل طراحی نیز مورد توجه قرار گرفته است. تصویر ۱۱ جلوخان ورودی اصلی بازار را در کنار یکی از ورودی‌های فرعی نشان می‌دهد که با طراحی جلوخان در مقابل یکی از ورودی‌های اصلی بازار علاوه بر شکل‌دهی فضای میانی بر اهمیت ورودی در مقابل ورودی فرعی تأکید شده است.

تصویر ۱۱: نشان دادن سلسله مراتب عناصر در بازار تهران از طریق طراحی فضا



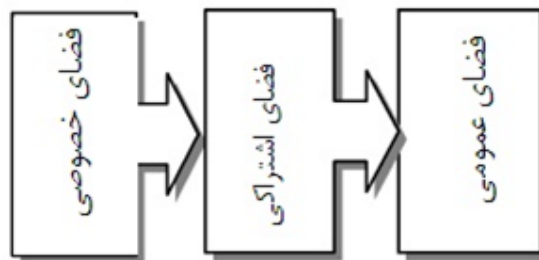
۹. جمع بندی

اصل سلسله‌مراتب یکی از اصول بنیادین حاکم بر جهان هستی است. این اصل در شهرهای گذشته ما کاملاً مشهود است. متأسفانه در شهرهای امروز ما اغلب اصول و از جمله همین اصل سلسله مراتب رخت بریسته‌اند و این اصل را تنها با نامی به عنوان سلسله‌مراتب دسترسی در نقشه‌های پیشنهادی مشاهده می‌شود که آن هم به دلیل توجه بیشتر به دسترسی سواره با شکست مواجه می‌شوند. اما به هر حال لازم است از شهرهای گذشته آموخته شود و اصولی که شهرهای ما را زنده و پا برجا نگه می‌داشتند را شناخته و در طرح‌های امروز به کار گرفته شود.

وجود و بهره‌گیری از عملکردهای متفاوت شهری، از فرم‌های متفاوت از عناصر و فضاهای دگرگون در سطوح مختلف و ایجاد هماهنگی بین اشکال و عملکردها و بین معانی نمادین و بین فرم و فضا در سطوح مختلف یک مجتمع زیستی ایجاد می‌نماید که در طراحی‌ها، سلسله‌مراتبی مناسب و هماهنگ، انتخاب و به کار گرفته شود، به طوری که ضمن عملکرد

داشتن و معنادار بودن هر جزء یا مجموعه شهری، کلیت مجتمع نیز مخدوش نگردد. اگر مجتمع‌های زیستی و عناصر آن‌ها را به قلمروهای متفاوتی با کالبد و عملکرد قابل تمیز از یکدیگر تقسیم شود، اصولاً انتقال و گذر از قلمرویی به قلمرو دیگری به صورت آنی و بدون ایجاد شرایط لازم اعم از روانی و کالبدی مطلوب نبوده و حتی در بسیاری موارد نامطلوب خواهد بود. در واقع عدم رضایت حریم‌ها، تداخل نامناسب قلمروها و با استخدام ویژگی‌های مشابه و یکسان کالبدی و فضایی برای دو قلمرو با عملکرد متفاوت از مطلوبیت کیفی فضا می‌کاهد. به عبارت دیگر این شرایط نه تنها مطلوبیت کیفی فضا را از بین می‌برد، بلکه آن را فاقد هویت می‌کند. بنابراین در انتقال و گذر از قلمرویی معین به قلمرویی دیگر؛ - اول به مقیاس‌های متنوع میانی توجه شود، این مقیاس میانی می‌تواند در ارتباط با عملکرد، اندازه و حتی حریمیت باشد. بنز^۲ این فضای میانی را از حیث حریمیت فضای اشتراکی می‌خواند (تصویر ۱۲) (Banz, 1970).

تصویر ۱۲: نمودار فضای اشتراکی میان دو فضای خصوصی و عمومی



- دوم فرد باید در یک فضای رابط، به یک آمادگی روانی و فیزیکی مطلوب برسد.
- سوم فضای رابط بین دو قلمرو مورد نظر باید در برخی نکات با اولی و از جهات دیگر با قلمرو دوم تجانس و همسویی داشته باشد تا دوگانگی‌ها به مرور برای ناظر مرتفع گردد و انتقال از فضایی به فضای دیگر شخص را مبہوت و حیرت زده ننموده و در فضای جدید نیز احساس غربت و ناهمگونی ننماید. بنابراین می‌توان گفت که سلسله مراتب به امور مهمی پاسخ می‌دهد که عبارتند از:

- ۱- کسب تدریجی شایستگی‌ها و بایستگی‌ها
- ۲- شرایط باید به گونه‌ای باشد که ضربه نامطلوب روحی بر انسان وارد نشود. در واقع تأثیر قوی نقطه مرکزی طی درجاتی کاهش یابد و هر پدیده طی تغییراتی و درجاتی متحول شود؛ از کم به زیاد و بالعکس.
- ۳- تعدیل کردن دوگانگی؛ با توجه به این که دوگانگی‌ها اغلب نامطلوبند، سلسله مراتبی به وجود می‌آید که حالت‌هایی که کاملاً متضاد هستند طی درجاتی تعدیل شوند و در مقابل هم قرار گیرند. با این اصل بین خواص متضاد ارتباطی برقرار می‌شود که برای حواس انسان قابل درک باشد. با سلسله مراتب اتصال میان پدیده‌های متضادی چون پدیده‌های حرارتی، بصری، فضایی، حرکتی و غیره برقرار می‌گردد. به عنوان مثال حمام‌های قدیمی، که کاملاً تبادل حرارتی و بصری ایجاد می‌شده است (Bahrainy, 2006).
- ۴- سلسله مراتب یعنی تنوع، و تفاوت‌ها در آن وجود دارد. به‌واقع سلسله مراتب به معنی امکان انتخاب می‌باشد (Bahrainy, 2006).

و سرانجام این که انسان محوری و توجه به جهان‌بینی وی در ایجاد اصل سلسله مراتب راه‌گزینا پذیر طراحی محیطی مطلوب ذات آدمی است.

۱- رجوع شود به بیکن ۱۹۷۳.

۲۰ Banz

References:

- Ahari, Z. (2002). *Schools of Isfahan in Urban Planning*. Tehran: Art University.
- Ardalan, N., Bakhtiar, L. (2001). *The Sense of Unity, The Sufi Tradition in Persian Architecture*. Isfahan: Khak Press.
- Bahrainy, H. (1995). *Own Urban Design Language. Proceedings of Congress of History of Architecture and urban planning*, Bam, Kerman.
- Bahrainy, H. (2006). *Urban Design Process*. Tehran: University of Tehran Press.
- Banz, G. (1970). *Elements of urban form*. USA: McGraw. Hill.
- Hamidi, M., Sabri, C. (1998). *The Main Structure of the City of Tehran*. Tehran Engineering and Technical Consulting Organization.
- Mohammadian Mansour, S. (1996). *Mosque Architecture*, Tehran University mosque design. (Master of Architecture), Tehran University, Tehran.
- Mohammadian Mansour, S. (1997). Privacy Hierarchy in Iranian Mosques. *Journal of Fine Arts* (29).
- Mortada, H. (2003). *Traditional Islamic Principles of Built Environment*. London: Routledge Curzon.
- Nadimi, H. (1994). *the Fact. Proceedings of Congress of History of Architecture and urban planning*. Tehran: Cultural Heritage.
- Naghizadeh, M. (1997). the features of Islamic City in Islamic Texts. *Journal of Fine Arts*(4,5).
- Naghizadeh, M. (2004). *Wisdom of hierarchy in architecture and urban planning*. Paper presented at the Proceedings of Congress of History of Architecture and urban planning, Tehran.
- Naghizadeh, M. (2008). *Islamic City and Architecture*. Tehran: Mani Press.
- Nasr, H. (1996). *Islamic art and spirituality*. Tehran: Office of Arts Religious Studies.
- Nasr, H. (1998). *The Islamic Thinkers about the nature*. Tehran: Kharazmi Press.
- Nasr, H. (2001). *Knowledge and the sacred*. Tehran: Forouzan mehr Press.
- Noghrekar, A. (2008). *Introduction to Islamic identity in architecture and urban planning*. Tehran: Paiaim Sima Press.
- Okhovvat, M. R. (1996). *Access and hierarchy of urban spaces*. Paper presented at the Proceedings of Seminar on Urban Development, Architecture and historic buildings.
- Pirnia, M. K. (1990). *Iranian architectural style*. Tehran: Publication of the Institute for Islamic Art.
- Salingaros, N. A. (2000). Complexity and urban coherence. *Journal of Urban Design*, 5.
- Saoud, R. (2002). *Introduction to the Islamic City*. Foundation for Science, Technology and Civilization, publication ID 4012.
- Soltanzadeh, H. (1996). *Urban spaces in Iranian historical fabrics*. Iran: Office of Cultural Research.
- Tavassoli, M. (1986). *Principles and Techniques of Design in Iran, Access Design* (Vol. 2). Tehran: Ministry of Housing and Urban Development under secretariat for Urban Planning and Architecture, Studies and Researches on Urban Planning and Architecture.
- Tavassoli, M. (1990). *Principles and Techniques of Design in Iran* (Vol. 1). Tehran: Ministry of Housing and Urban Development under secretariat for Urban Planning and Architecture, Studies and Researches on Urban Planning and Architecture.
- Tavassoli, M. (2003). The Relationship in Urban Design. *Journal of Fine Arts*, 14, 32-39.